کیهان

دوشنبه ۲ تیر ۱۴۰۴ □ ۲۷ ذی الحجه ۱۴۴۶ □ ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵ □ شماره ۲۳۸۸۸

صفحه آخر

اذان ظهر: ۱۲/۰۷، اذان مغرب: ۱۹/۴۵، نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۱۳، اذان صبح(فردا): ۳/۰۳، طلوع آفتاب(فردا): ۴/۵۰

گرما در انگلیس طی ۳ روز جان ۵۷۰ نفر را گرفت

یک مطالعه تخمین زده است که حدود ۵۷۰ نفر در انگلستان و ولز در اثر دمای بالا از پنجشنبه ۱۹ ژوئن ۲۰۲۵ (۳۰ خرداد) تا یکشنبه ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵ (یکم تیرماه) جان خود را از دست داده‌اند.

«مدیکال‌نیوز» نوشته، این مطالع ه از داده‌های چند دهه گذشته «بریتانیا» برای درک روابط ریسک در ۳۴هزار و ۷۵۳ منطقه در سراسر انگلستان و ولز استفاده کرده تا مرگ و میر انگلیسی‌ها در طول این موج گرما را بررسی کند. محققان تخمین زده‌اند که به طور کلی، حدود ۵۷۰ مرگ در طول موج گرما رخ داده است، که ۱۱۴ مورد آن در روز پنجشنبه، ۱۵۲ مورد آن در روز جمعه و ۲۶۶ مورد نیز در روز شنبه رخ داده است. طبق این گزارش افراد مسن بالای ۶۵ سال بیشترین آسیب را می‌بینند و ۴۸۸ مورد از تمام این مرگ و میرها مربوط به این رده سنی است. محققان دریافته‌اند که از این تعداد، انتظار می‌رود ۳۱۴ مورد در بین افراد ۸۵ سال و بالاتر باشد.

وحشت از بسته شدن تنگه هرمز قیمت سوخت هواپیما را در اروپا افزایش داد

قیمت سوخت هواپیما در اروپا در پی جنگ ایران، آمریکا و رژیم صهیونیستی و نگرانی از بسته شدن تنگه هرمز به بالاترین حد خود در ۱۵ ماه گذشته رسیده است.

گزارش فایننشال‌تایمز، حاکی است که جنگ در خاورمیانه نگرانی در بازارهای اروپا درباره صادرات نفت این منطقه را به‌شدت افزایش داده است. بر اساس داده‌های بازار از شرکت آرگوس، از جمعه گذشته که تجاوز نظامی اسرائیل علیه ایران آغاز شد، تفاوت قیمت گازوئیل نسبت به نفت خام ۶۰درصد و قیمت سوخت هواپیما نیز ۴۵درصد افزاش یافته است. به گزارش تسنیم به نقل از این روزنامه انگلیسی این رشد از تشدید نگرانی‌ها درباره امکان بسته شدن تنگه هرمز و توقف ناگهانی صادرات از خلیج‌فارس که منبع اصلی سوخت‌های موردنیاز اروپا محسوب می‌شود، حکایت دارد. بر اساس این گزارش افزایش شدید قیمت‌های سوخت پالایش شده نشان‌دهنده وابستگی اروپا به واردات از خاورمیانه است. جورج ماهر بونت از شرکت آرگوس هشدار داد که هرگونه مشکل در تنگه هرمز تأثیر مهمی بر تأمین گازوئیل در اروپا خواهد داشت.

نگاه

دروغ‌های هسته‌ای رژیم اسرائیل و ریاکاری غرب

رژیم اسرائیل، مانند بسیاری از پروژه‌های استعماری دیگر، از طریق خشونت بنیان گذاشته شد و از آن زمان تاکنون برای اشغال سرزمین‌های عربی به استفاده از زور متکی بوده است. درک این واقعیت که بقای آن به داشتن نیروی نظامی برتر در منطقه‌ای خصمانه وابسته است، اسرائیل را بر آن داشت تا مدت کوتاهی پس از تأسیس در سال ۱۹۴۸، برنامه‌ای برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را آغاز کند. اسرائیل تا اواسط دهه ۱۹۵۰ با کمک فرانسه به‌صورت محرمانه ساخت یک رآکتور هسته‌ای بزرگ را آغاز کرده بود. اینکه این دو متحد بدون اطلاع دولت دوایت «آیزنهاور»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، دست به راه‌اندازی برنامه‌ای برای تولید سلاح هسته‌ای زده بودند، به یکی از شکست‌های بزرگ (و شرم‌آور) دستگاه اطلاعاتی آمریکا بدل شد.

تا ژوئن ۱۹۶۰، یعنی سال پایانی ریاست‌جمهوری آیزنهاور، مقامات آمریکایی تازه از پروژه‌ای که بعدها به نام «دیمونا» شناخته شد، باخبر شدند. «دانیل کیمخی»، سرمایه‌دار صهیونیست در حوزه نفت، که ظاهراً در یک مهمانی شبانه در سفارت آمریکا در تل‌آویو کمی بیش از حد نوشیده بود، به دیپلمات‌های آمریکایی اعتراف کرد که اسرائیل در حال ساخت یک «رآکتور برق» بزرگ در صحرای نقب است. در گزارشی از سفارت آمریکا به وزارت خارجه در آگوست ۱۹۶۰ آمده بود: «این پروژه به کیمخی به‌عنوان یک رآکتور برق گازسرد توصیف شده که قادر است حدود ۶۰ مگاوات برق تولید کند. [کیمخی] گفت که فکر می‌کند کار ساخت این تأسیسات از حدود دو سال پیش آغاز شده و تا پایان آن هنوز حدود دو سال دیگر باقی مانده است.»

با این حال، رآکتور دیمونا برای تأمین نیازهای رو به رشد انرژی اسرائیل ساخته نمی‌شد. همان‌گونه که ایالات‌متحده بعدتر دریافت، این رآکتور- با مشارکت و مشورت فرانسوی‌ها- برای تولید پلوتونیوم موردنیاز یک برنامه نوپای تسلیحات هسته‌ای اسرائیل طراحی شده بود. در دسامبر ۱۹۶۰، در حالی که مقام‌های آمریکایی به‌شدت نگران تمایل رژیم اسرائیل به دستیابی به سلاح هسته‌ای شده بودند، «موریس کوو دو موروِیل» وزیر خارجه فرانسه، در گفت‌وگو با «کریستین هرتِر» وزیر خارجه آمریکا، اذعان کرد که فرانسه نه‌تنها به اسرائیل برای آغاز این پروژه کمک کرده، بلکه مواد اولیه‌ای مانند اورانیوم را نیز که رآکتور به آن نیاز دارد، در اختیارش خواهد گذاشت. در مقابل، فرانسه سهمی از پلوتونیومی که در دیمونا تولید می‌شد، دریافت می‌کرد. مقام‌های اسرائیلی و فرانسوی به دولت آیزنهاور اطمینان دادند که تأسیسات دیمونا- که اکنون «مرکز هسته‌ای نقب» نام گرفته بود- صرفاً برای مقاصد صلح‌آمیز ساخته می‌شود. برای منحرف کردن بیشتر توجهات، مقام‌های اسرائیلی چندین داستان ساختگی به عنوان پوشش این ادعا مطرح کردند و مدعی شدند که دیمونا قرار است هر چیزی باشد- از کارخانه نساجی گرفته تا ایستگاه هواشناسی- جز یک رآکتور هسته‌ای که توانایی تولید پلوتونیوم با درجه تسلیحاتی دارد.

در دسامبر ۱۹۶۰، پس از آنکه یک دانشمند هسته‌ای بریتانیایی که نگران ساخت یک بمب کثیف (یعنی بمبی با تشعشعات رادیواکتیو بسیار بالا) توسط اسرائیل بود، اطلاعاتی در اختیار رسانه‌ها گذاشت، خبرنگاری به نام «چیمن پینچر» در روزنامه «دیلی‌اکسپرس» لندن نوشت: «مقام‌های اطلاعاتی بریتانیا و آمریکا بر این باورند که اسرائیل در مسیر ساخت نخستین بمب هسته‌ای آزمایشی خود، پیشرفت قابل‌توجهی کرده است». مقام‌های اسرائیلی در واکنش از طریق سفارت این رژیم در لندن بیانیه‌ای کوتاه صادر کردند: «اسرائیل نه در حال ساخت بمب اتم است و نه قصد انجام چنین کاری را دارد».

در حالی که کشورهای عربی به‌طور فزاینده‌ای نگران بودند که واشنگتن در تلاش‌های هسته‌ای اسرائیل نقش دارد، «جان مک‌کون»، رئیس کمیسیون انرژی اتمی آمریکا، یک سند محرمانه سازمان سیا را به «جان فینی» خبرنگار نیویورک‌تایمز درز داد. این سند ادعا می‌کرد که ایالات‌متحده شواهدی در اختیار دارد مبنی بر اینکه اسرائیل با کمک فرانسه در حال ساخت یک رآکتور هسته‌ای است مدرکی که نشان می‌داد واشنگتن به ظاهر از جاه‌طلبی‌های هسته‌ای اسرائیل چندان خرسند نیست. «آیزنهاور» رئیس‌جمهور آمریکا از این موضوع شوکه شد. نه‌تنها دولت او در بی‌خبری کامل به سر می‌برد، بلکه مقام‌های آمریکایی بیم آن داشتند که اسرائیل مجهز به سلاح هسته‌ای در آینده، ثبات منطقه‌ای را که پیشاپیش در آشفتگی به سر می‌برد، بیش از پیش تهدید کند. در تلگرامی که در ژانویه ۱۹۶۱ از سوی وزارت خارجه آمریکا به سفارت این کشور در پاریس ارسال شد، آمده بود: «گزارش‌های رسیده از کشورهای عربی، به روشنی نشان می‌دهد که بسیاری از آنها این احتمال [وجود سلاح هسته‌ای در اسرائیل] را بسیار جدی و نگران‌کننده تلقی می‌کنند.»

همزمان با بالا گرفتن بازتاب‌های رسانه‌ای درباره این پروژه هسته‌ای، «دیوید بن‌گوریون»، نخست‌وزیر اسرائیل، به‌سرعت دست به کار شد تا از شدت افشاگری‌ها بکاهد. او در سخنرانی خود در کنست (پارلمان اسرائیل) اعتراف کرد که رژیم اسرائیل در حال توسعه یک برنامه هسته‌ای است. سپس افزود: «گزارش‌های منتشرشده در رسانه‌ها نادرست‌اند. رآکتور تحقیقاتی‌ای که اکنون در نقب در حال ساخت است، تحت نظارت کارشناسان اسرائیلی ساخته می‌شود و اهدافی کاملاً صلح‌آمیز دارد. پس از تکمیل، این تأسیسات به روی دانشمندان سایر کشورها نیز باز خواهد بود.»

او البته دروغ می‌گفت و مقام‌های آمریکایی نیز از این موضوع کاملاً آگاه بودند. هیچ‌چیز صلح‌آمیزی در این پروژه وجود نداشت. بدتر آن‌که اجماعی رو به رشد در میان متحدان آمریکا شکل گرفته بود مبنی بر اینکه آیزنهاور از ابتدا در جریان این فریبکاری بوده و دولت او فناوری لازم را برای آغاز پروژه در اختیار اسرائیل گذاشته است. اکنون مقام‌های آمریکایی با جدیت می‌کوشیدند از بازرسی‌های سازمان ملل از دیمونا جلوگیری کنند، چرا که نگران بودند این بازرسی‌ها واقعیت‌های نگران‌کننده‌ای را برملا کند.

تا ماه می ۱۹۶۱، با روی کار آمدن «جان اف.کندی» در کاخ‌سفید، شرایط شروع به تغییر کرد. کندی حتی دو دانشمند از کمیسیون انرژی اتمی آمریکا را برای بازرسی از سایت دیمونا اعزام کرد. با آن‌که خود او تا حدی تحت تأثیر تبلیغات اسرائیل قرار گرفت، کارشناسان اعزامی تأکید کردند که رآکتور این تأسیسات می‌تواند پلوتونیومی تولید کند که «برای ساخت سلاح مناسب» است. سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) که به ادعاهای اسرائیل با تردید بیشتری می‌نگریست، در برآورد ملی اطلاعاتی‌ای که اکنون از حالت محرمانه خارج شده، نوشت: ساخت این رآکتور نشان می‌دهد که «اسرائیل ممکن است تصمیم گرفته باشد برنامه‌ای برای دستیابی به سلاح هسته‌ای آغاز کند. دست‌کم ما بر این باوریم که اسرائیل قصد دارد تأسیسات هسته‌ای خود را به‌گونه‌ای توسعه دهد که در صورت تصمیم، بتواند فوراً سلاح هسته‌ای تولید کند.»

و دقیقاً همین اتفاق هم افتاد. در ژانویه ۱۹۶۷، شبکه «ان‌بی‌سی‌نیوز» آمریکا تأیید کرد که اسرائیل در آستانه دستیابی به توانایی هسته‌ای قرار دارد. تا آن زمان، مقام‌های آمریکایی می‌دانستند که اسرائیل به مرحله ساخت سلاح نزدیک شده و دیمونا در حال تولید پلوتونیوم با قابلیت ساخت بمب است. چند دهه بعد، در گزارشی که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد و به آمارهای سازمان اطلاعات دفاعی آمریکا استناد داشت، نشریه «بولتن دانشمندان هسته‌ای جهان» فاش کرد که اسرائیل دست‌کم ۸۰ سلاح هسته‌ای در اختیار دارد و تنها قدرت هسته‌ای خاورمیانه محسوب می‌شود. پاکستان تا سال ۱۹۷۶ به سلاح هسته‌ای دست نیافت و در هر حال معمولاً جزو آسیای جنوبی به‌شمار می‌رود، نه خاورمیانه. رژیم اسرائیل تاکنون هرگز به‌صورت علنی به در اختیار داشتن چنین تسلیحاتی اعتراف نکرده است، اما همواره از اجازه دادن به بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای بازدید از این سایت محرمانه خودداری کرده است. با این حال، شواهد نشان می‌دهد که در سال ۲۰۲۱ یک «پروژه بزرگ» در دیمونا در جریان بوده و اسرائیل در آن زمان به‌طور فعال در حال گسترش تأسیسات تولید سلاح هسته‌ای خود بوده است. نبود بازرسی‌های سازمان ملل یا نهادهای دیگر از «دیمونا» باعث شده که هیچ‌گونه اذعان رسمی و علنی از سوی اسرائیل درباره زرادخانه هسته‌ای‌اش وجود نداشته باشد و در نتیجه، هیچ سازوکار پاسخگویی مشخصی نیز برای آن وجود ندارد. این پیشینه سرشار از فریب و دروغ‌های آشکار، بمباران غیرقانونی تأسیسات ایران از سوی رژیم اسرائیل- به بهانه برنامه هسته‌ای ادعایی تهران- را به‌مراتب ریاکارانه‌تر جلوه می‌دهد.

منبع: وب‌سایت آمریکایی کانترپانچ

پس از تجاوز آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران

یمن توافق آتش‌بس با آمریکا را پاره و علیه این کشور اعلان جنگ کرد

سرویس خارجی-

پس از آن‌که آمریکای ترامپ به سه مرکز هسته‌ای اصلی ایران حمله هوائی کرد، یمن توافق با واشنگتن را لغو و رسماً به آمریکا و کشتی‌های آمریکایی اعلان جنگ کرد.

آمریکا و «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور سودازده آن، کاری را که نباید می‌کردند، کردند و بامداد یکشنبه به سه سایت هسته‌ای مهم ایران حمله کردند. آمریکا بامداد دیروز اعلام کرد ارتش آمریکا سه تأسیسات اصلی هسته‌ای ایران در فردو، نطنز و اصفهان را هدف قرار داده است. در پی این حمله مواضع مختلفی و البته یکپارچه‌ای از طرف یمنی‌های مقاوم اعلام شد. اما این یمنی‌ها که مواضع‌شان مهم است، چه کسانی هستند؟ پس از جنگ غزه، فضای منطقه‌ای به طرز چشمگیری دگرگون شد و یکی از برجسته‌ترین تحولات، بازی جدید قدرت‌ها در دریای سرخ با یمن بود که نشان از بالاگرفتن نفوذ انصارالله داشت. این گروه مقاومت که حالا شمال یمن را در دست دارد و سال‌ها با تحریم‌ها و فشارهای گسترده مواجه بوده است، با بهره‌گیری از توانمندی‌های نظامی ویژه، هوشمندی استراتژیک و پشتوانه مردمی قوی، توانست در میدان نبرد برتری قابل‌توجهی بر نیروهای آمریکایی و متحدان منطقه‌ای آنها کسب کند. آمریکا که همواره در تلاش برای حفظ کنترل بر مسیرهای حیاتی کشتیرانی و مانع شدن از گسترش نفوذ مقاومت بود، به تدریج مجبور شد به واقعیت قدرت انصارالله گردن نهد. این موفقیت‌های مقاومت یمنی در جلوگیری از عملیات‌های نظامی گسترده و افزایش هزینه‌های حضور آمریکا در این منطقه، واشنگتن را به سوی میز مذاکره و توافقاتی سوق داد که بر اساس آن نفوذ و توان انصارالله به رسمیت شناخته شد و زمینه‌هایی برای کاهش منازعات فراهم گردید. این دست بالا گرفتن انصارالله نه‌فقط یک موفقیت نظامی بلکه نشانه‌ای از قدرت انعطاف‌پذیری، هوشمندی سیاسی و پشتکار مردمی در برابر مداخلات خارجی بود؛ جریانی که عملاً قواعد بازی در دریای سرخ را تغییر داد و معادلات قدرت را به نفع مقاومت شکل داد، معادلاتی که نقش مقاومت را به عنوان یک بازیگر محوری و نه صرفاً یک گروه درگیر، تثبیت کرد و نشان داد که حتی مقابل ابرقدرت‌ها، اراده متحد مردمی چقدر می‌تواند تعیین‌کننده باشد.

جنگ با کل امت!

به گزارش «ایکنا» به نقل از «المسیره»، نیروهای مسلح یمن در بیانیه خود آورده است که هرگونه حمله و تجاوز آمریکایی در حمایت از رژیم صهیونیستی علیه ایران در چارچوب همان هدف است که هدف آن قادر ساختن دشمن اسرائیلی به تسلط بر کل منطقه است. نبرد، نبرد تمام امت است و نجات، عزت و پیروزی امت در بسیج و جهاد در راه خداوند متعال است، چنان‌که خداوند متعال می‌فرماید: «در راه خدا پیکار کنید و بدانید که خداوند شنوا و داناست.» همچنین خداوند متعال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.» به راستی که سخن خدا حق است. بر این اساس، اگر آمریکا با دشمن اسرائیلی درگیر حمله و تجاوز علیه ایران شود، نیروهای مسلح یمن، کشتی‌ها و ناوهای جنگی آن را در دریای سرخ هدف قرار خواهند داد.

توافق آتش‌بسی که لغو شد

همچنین، «محمدالبخیتی»، عضو دفتر سیاسی انصارالله، روز یکشنبه، تأکید کرد انصارالله امروز در کنار ایران علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی است و پاسخ این جنبش متحد ایران به حمله آمریکا به جمهوری اسلامی تنها مسئله زمان است. او به شبکه خبری «الجزیره مباشر» گفت: «توافق آتش‌بس انصارالله با آمریکا، پیش از حمله این کشور به ایران پابرجا بود. پاسخ نظامی انجام خواهد شد و در مرحله اول نیروهای آمریکایی را در دریای سرخ هدف قرار می‌دهیم. وارد تشدید درگیری خواهیم شد و دامنه درگیری را تا زمان توقف این تجاوز (به ایران) گسترش خواهیم داد. این نبرد را نبرد سرنوشت‌ساز می‌بینیم که تنها با آزادی فلسطین و مسجدالاقصی پایان می‌یابد.»

انصارالله: منتظر درخواست ایران نخواهیم ماند

«باشگاه خبرنگاران جوان» نیز موضع جالب توجه دفتر سیاسی انصارالله یمن در واکنش به حمله ددمنشانه آمریکا را بازنشر کرد: «منتظر درخواست ایران برای مداخله در جنگ نخواهیم ماند و در مرحله نخست، نیروهای آمریکایی را در دریای سرخ هدف خواهیم داد. ما تجاوز وحشیانه و بزدلانه آمریکا که جمهوری اسلامی ایران و تأسیسات هسته‌ای آن را هدف قرار داد، محکوم و تقبیح می‌کنیم. تجاوز به ایران نقض آشکار همه قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی است. تجاوز آمریکا علیه ایران نمی‌تواند مانع از ادامه مبارزه جهادی آزادی‌بخش ایران علیه آمریکا و دست‌نشانده‌اش، اسرائیل، شود. ما حمایت خود را از جمهوری اسلامی ایران، رهبری، مردم و ارتش آن در مقابله با تجاوز صهیونیستی و آمریکایی اعلام می‌کنیم. از آحاد ملت می‌خواهیم که از سکوت و نظاره‌گری خارج شوند و گزینه جهاد و مقاومت را به صورت یکپارچه در مواجهه با استکبار صهیونیستی- آمریکایی دنبال کنند.»

دولت تغییر و سازندگی یمن که در صنعا مستقر است، ضمن محکوم کردن شدید تجاوزات وحشیانه و آشکار آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، اظهار داشت: «حمله دولت خیره‌سر ترامپ به سه سایت هسته‌ای ایران، اعلام جنگ صریح علیه مردم برادر ایران است. ما ایستادگی و حمایت کامل خود را از مردم برادر ایران اعلام کرده و نسبت به توان رهبری و مردم این کشور در مقابله با تجاوزات آمریکا و اسرائیل یقین داریم.» دولت یمن در ادامه از اعلام نیروهای مسلح این کشور در آمادگی برای هدف گرفتن کشتی‌ها و ناوهای آمریکایی در دریای سرخ در دفاع از امت اسلامی حمایت کرد. دولت تغییر و سازندگی یمن در پایان از امت اسلامی خواست به مسئولیت خود در این لحظه حساس عمل کرده و نیز تجاوزات آمریکا و اسرائیل را به ایران و فلسطین محکوم کنند. همچنین، وزارت امور خارجه یمن در صنعا اعلام کرد که حمله به ایران، ادعاهای دروغین آمریکا را درباره این‌که به دنبال صلح جهانی است، رسوا کرده است.

واشنگتن باید با عواقب حمله‌اش مواجه شود

از طرف دیگر، «حزام الاسد»، عضو دفتر سیاسی انصارالله و مجلس شورای آن، پس از اعلام حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، در شبکه اجتماعی «ایکس» (توئیتر سابق) خیلی روشن و صریح نوشت: «واشنگتن باید تبعات را تحمل کند.» گفتنی است، ترامپ در شبکه اجتماعی «تروث‌سوشال» به تمجید این تجاوز کشورش علیه ایران پرداخت و نوشت: «به سه سایت هسته‌ای ایران؛ فردو، نطنز و اصفهان حمله موفقیت‌آمیزی داشتیم.» گفتنی است، قطعاً اگر مقاومت یمن بار دیگر حضوری فعال و گسترده در دریای سرخ داشته باشد، می‌تواند تهدیدی جدی و ساختاری برای منافع آمریکا و متحدانش ایجاد کند. مستندات متعددی از گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی و تحلیل‌های امنیتی نشان می‌دهد که انصارالله با کنترل بخش‌های کلیدی از سواحل یمن، توانایی عملیات ناوهای تجاری و نظامی در این آبراه استراتژیک را هدف قرار داده و موجب اختلال در روند تجارت جهانی و انتقال انرژی شده است. برای مثال، تحلیل‌های مؤسسات معتبر همچون مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک (IISS) و گزارش‌های سازمان ملل تأکید می‌کنند که انصارالله با استفاده از جنگ‌افزارهای پیشرفته موشکی و پهپادی، توانسته ناوگان دریایی دشمن را تحت فشار قرار دهد و این قابلیت می‌تواند در صورت تشدید خصومت‌ها به اعمال نفوذ مستقیم‌تر در مسیرهای حیاتی مانند تنگه باب‌المندب منجر شود. همچنین، تجربه جنگ یمن نشان داده است که هر بار واشنگتن و شورای همکاری خلیج‌فارس تلاش کرده‌اند حضور خود را تقویت کنند، انصارالله با تاکتیک‌های نامتقارن و استراتژی‌های دفاعی هوشمندانه هزینه‌های نظامی و سیاسی سنگینی به آنها تحمیل کرده است. بنابراین، این واقعیت مستند می‌تواند زنگ هشداری باشد.

راهپیمایی در کشورهای اروپایی علیه تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران

برلین

لندن

رم

ده‌ها هزار نفر در پایتخت‌های مختلف اروپا با برگزاری تظاهرات گسترده تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به ایران را به‌شدت محکوم کردند.

همبستگی با جمهوری اسلامی ایران در این جنگ تحمیلی از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی روزبه‌روز در حال افزایش است، طی روزهای گذشته در اقصی‌نقاط جهان از پاکستان گرفته تا عراق و یمن و حتی خود آمریکا با برپایی تظاهرات مردم این کشورها حمایت خود را از جمهوری اسلامی ایران در این جنگ تحمیلی اعلام کردند. روز شنبه نیز نوبت مردم اروپا بود که در حمایت از ایران راهپیمایی کنند. گزارش‌ها حاکی است شهرهای لندن، رم، روتردام، پاریس، ژنو و وین روز شنبه صحنه موجی از اعتراضات ضدجنگ بود که با فراخوان گسترده نهادهای مدنی، گروه‌های حقوق بشری و فعالان سیاسی شکل گرفت و با حضور ده‌ها هزار معترض، بزرگ‌ترین بسیج مردمی در اروپا علیه جنگ طی یک‌سال گذشته لقب گرفت.

دست از ایران بردارید

در لندن، صدها تن از معترضان با در دست داشتن پرچم‌های ایران و فلسطین و پلاکاردهایی با شعار «دست از ایران بردارید» و «جنگ را متوقف کنید»، تجاوز رژیم صهیونیستی را محکوم و خواستار توقف فروش سلاح به رژیم اسرائیل شدند. ائتلاف توقف جنگ که از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پویش‌های ضد جنگ در انگلیس به‌شمار می‌رود، در بیانیه‌ای اعلام کرد: «حملات غیرقانونی به تأسیسات هسته‌ای، مخازن نفت و مناطق مسکونی در ایران بدون حمایت دولت‌های آمریکا و انگلیس ممکن نبود؛ همان حمایتی که زمینه‌ساز نسل‌کشی ادامه‌دار در غزه شده است.» به گزارش ایرنا در این بیانیه تأکید شده است: «انگلیس نباید در این مسیر خطرناک مشارکت کند. نه نیروی دریایی این کشور و نه پایگاه‌های نظامی آن نباید به هیچ‌وجه در خدمت تجاوز اسرائیل قرار گیرد. حتی اگر ترامپ تصمیم به آغاز جنگ بگیرد، انگلیس نباید دنباله‌رو او شود و به درگیری دیگری در خاورمیانه کشیده شود.»

گسترده‌ترین راهپیمایی ضد جنگ در رم ایتالیا

در رم پایتخت ایتالیا نیز هزاران نفر از شهروندان این کشور با تجمع در مرکز شهر و سر دادن شعارهایی چون «آزادی فلسطین»، «پایان جنگ در غزه» و «توقف تجاوز به ایران» به سیاست‌های جنگ‌طلبانه غرب و پروژه تسلیح مجدد اتحادیه اروپا اعتراض کردند. تظاهرات رم، که به دعوت صدها گروه مدنی و اتحادیه برگزار شد، به‌عنوان گسترده‌ترین راهپیمایی ضد جنگ در سال گذشته شناخته شد. به گزارش ایرنا، این تظاهرات با عنوان «توقف تسلیح مجدد اروپا» از سوی صدها گروه مدنی، فرهنگی، سندیکایی و سیاسی فراخوانده شد و با استقبال گسترده مردم و حضور پررنگ مدافعان حقوق بشر و مخالفان جنگ همراه بود.

در این راهپیمایی، شرکت‌کنندگان با سر دادن شعارهایی خواستار آزادی فلسطین، پایان جنگ در غزه و توقف تجاوز به ایران شدند. بسیاری از معترضان با در دست داشتن پرچم فلسطین، دست‌نوشته‌هایی با مضمون «نه به نسل‌کشی» و پلاکاردهایی علیه جنگ، موضع خود را آشکارا اعلام کردند. تظاهرکنندگان ضمن محکوم کردن سیاست‌های نظامی‌گرایانه و پروژه تسلیح مجدد اتحادیه اروپا، بر ضرورت پایان دادن به فرهنگ جنگ و بازگشت به مسیر دیپلماسی تأکید کردند. آنها فریاد زدند که «زندگی در صلح»، «عدالت اجتماعی» و «حق برخورداری از دموکراسی» خواسته‌هایی است که باید جایگزین منطق بلوک‌های نظامی شود. کادر پزشکی یک سازمان امدادرسانی نیز که به‌تازگی از غزه بازگشته‌اند، در تظاهرات حضور داشتند. رئیس این سازمان، روزلا میچو، هشدار داد: «صحبت از تسلیح مجدد در دوره‌ای که بیش از ۵۰ جنگ فعال در جهان جریان دارد، خطرناک و نگران‌کننده است. اروپا باید به جای شعله‌ور کردن درگیری‌ها، به پل‌سازی و میانجی‌گری دیپلماتیک بازگردد.» به گفته برگزارکنندگان، تظاهرات رم بخشی از کارزار گسترده اروپایی برای مقابله با پروژه‌های نظامی‌سازی است که در روزهای آینده با تجمع‌هایی در اسپانیا، فرانسه، هلند و نشست صلح بین‌المللی در بروکسل ادامه خواهد یافت. آنان تأکید دارند که تنها با همبستگی مدنی می‌توان سدی در برابر جنگ، نسل‌کشی و اقتدارگرایی ساخت.

در روتردام هلند نیز صدها معترض از ائتلاف گروه‌های اجتماعی و مدافعان حقوق بشر با پرچم‌های ایران و فلسطین و شعار «آزادی، عدالت، توقف نسل‌کشی» خواستار تحریم نظامی رژیم اسرائیل و پایان فوری جنگ شدند. آنان هشدار دادند که دولت هلند نباید در حمایت تسلیحاتی از اسرائیل مشارکت داشته باشد. در ژنو سوئیس هم تجمعی اعتراضی مقابل مقر سازمان ملل برگزار شد که در آن جمعی از ایرانیان و فعالان حقوق بشر با محکوم کردن تجاوز اسرائیل به ایران، خواستار احترام به منشور ملل متحد و پایان‌دادن به خشونت‌ها شدند. در وین اتریش هم، هم‌وطنان ایرانی و حامیان کشورمان با تجمع در مرکز شهر، با نمایش تصاویر قربانیان حملات اسرائیل به ایران، یاد شهدا را گرامی داشته و حمله به زیرساخت‌های غیرنظامی و هسته‌ای را جنایتی نابخشودنی خواندند.

انتقاد شدید از دولت آلمان

در برلین پایتخت آلمان هم با وجود فضای امنیتی شدید و حمایت بی‌قیدوشرط دولت آلمان از رژیم صهیونیستی، روز شنبه هزاران نفر از آزادی‌خواهان و صلح‌طلبان در مرکز این شهر علیه جنگ و تجاوز تجمع کردند. شرکت‌کنندگان شامل شهروندان آلمانی و مهاجران مقیم آلمان از ملیت‌های مختلف بودند که با پرچم‌ها و شعارهایی در حمایت از مردم فلسطین و در مخالفت با جنگ علیه ایران، خیابان‌های منتهی به دروازه براندنبورگ را پر کردند. این حضور گسترده، نماد همبستگی بین‌المللی با قربانیان تجاوز و اشغال بود. به گزارش ایسنا در میان تظاهرکنندگان، گروه‌هایی با پرچم‌های ایران و پلاکاردهایی در محکومیت تجاوزگری و حمایت‌های غربی از آن، خواستار پایان دادن به خشونت، اشغالگری و بی‌عدالتی شدند. نیروهای امنیتی آلمان با آرایش گسترده در سطح شهر مستقر بودند و برخوردهای پلیس با معترضان، فضا را به‌شدت امنیتی کرده بود. گزارش‌ها حاکی از بازداشت‌های خودسرانه و بدون دلیل مشخص است که نگرانی نهادهای حقوق بشری را برانگیخته است. در بیانیه‌ها و شعارهای مطرح‌شده، معترضان از مواضع دولت فدرال آلمان به‌شدت انتقاد کرده و آن را نشانه‌ای از وابستگی سیاست خارجی این کشور به منافع قدرت‌های فرامنطقه‌ای، به‌ویژه آمریکا و رژیم اسرائیل دانستند.

تروریست‌های حاکم بر سوریه و کُردها به جان هم افتادند

منابع رسانه‌ای از شکل‌گیری اختلافاتی میان دولت تروریست‌ها در دمشق و اداره خودگردان کُردهای سوریه بر سر مدیریت فرودگاه بین‌المللی «قامشلی» پرده برداشتند.

به گزارش «ایسنا»، منابع رسانه‌ای گزارش دادند که اداره خودگردان شمال و شرق سوریه، تیمی را برای مدیریت فرودگاه بین‌المللی قامشلی تعیین کرد. روزنامه «العربی الجدید» این تصمیم را اعلام رسمی تسلط کُردها بر فرودگاه قامشلی ارزیابی کرد. این اقدام اداره خودگردان کردهای سوریه واکنش تروریست‌های حاکم بر دمشق، به رهبری «ابومحمد الجولانی»، را به همراه داشت. در همین راستا، سازمان هواپیمایی غیرنظامی سوریه با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد که فرودگاه قامشلی از عصر شنبه بسته است و هیچ طرفی اجازه بازگشایی آن بدون مجوز دولت دمشق را نخواهد داشت. این سازمان اعلام کرد که تصمیم بسته‌شدن فرودگاه قامشلی برای تمامی شرکت‌های هواپیمایی داخلی و خارجی لازم‌الاجرا است. در ادامه این بیانیه آمده است: سازمان هواپیمایی غیرنظامی سوریه تنها طرفی است که مسئولیت مدیریت فرودگاه‌ها و راه‌اندازی آنها را برعهده دارد. این سازمان در ادامه هشدار داد که هرگونه تلاش برای بازگشایی فرودگاه قامشلی بدون هماهنگی با دمشق نقض قوانین بین‌المللی محسوب می‌شود. دولت دمشق و اداره خودگردان کردهای سوریه پیش‌تر توافقی را برای حل‌وفصل اختلافات و ادغام نیروهای کرد در ساختار دولت مرکزی امضا کرده بودند اما این توافقات تا بدین لحظه اجرائی نشده‌اند. طبق توافق امضا شده، حقوق تمامی سوری‌ها برای حضور و مشارکت در دولت تضمین و تمامی نهادهای غیرنظامی و نظامی در شمال‌شرق سوریه در نهادهای دولت ادغام شده و از دولت موقت سوریه برای مقابله با طرفداران دولت بشار اسد و دیگر تهدیدها حمایت شد و دوطرف مخالفت خود را با فراخوان‌ها برای تقسیم سوریه، نفرت‌پراکنی‌ها و تلاش‌ها برای ایجاد آشوب اعلام کردند. گفتنی است، چنان‌که پیش‌تر نیز گفته شده است، حوادث دراماتیک در سوریه و سقوط نظام «بشار اسد» به اندازه‌ای سریع صورت گرفت که هیچ‌کس تصور آن را نمی‌کرد. این موضوع گرچه در آن زمان فرصت تفکر بیشتر را از مخاطبان و افکار عمومی گرفت، اما امروز تروریست‌ها باید تفکر کنند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد و تحولات سوریه چه تأثیری در اوضاع جهان عرب و موازنه‌های قدرت در منطقه خواهد داشت. حاکمیت سوریه در حال حاضر با چالش‌های عمده‌ای مواجه است که مهم‌ترین آنها شکل نظام سیاسی است که باید باعث ایجاد ثبات در سوریه شود. ماهیت رهبران این کشور عربی که تأثیر فوق‌العاده‌ای در مرحله آینده خواهد داشت نیز مهم ارزیابی می‌شود. جریان‌های مسلح که علیه دولت بشار اسد سلاح در دست گرفتند و در نهایت باعث سقوط وی شدند، زیاد هستند و نقطه مشترک آنها مخالفت با دولت بشار اسد بود، اما الان که دولت اسد سقوط کرده، احتمالاً تناقض‌های ایدئولوژیک و سیاسی و فرقه‌ای بین این گروه‌ها به تدریج برجسته‌تر می‌شود و بعید است آنها به رویکرد مشترکی برای نحوه مدیریت دولت و امور حاکمیت د